دوفصلنامه علمی ـ ترویجی مطالعات فقه امامیه
سال چهاردهم/ شماره ۲۶/ بهار و تابستان ۱۴۰۵

Bi-Quarterly Scientific Promotional Journal in Imamiyah Jurisprudence
Year 14 Issue, No 26/ Spring & Summer 2026

بررسی فقهی مصالح حجاب و الزام حکومت در پیشگیری از بی‌حجابی *

□ امیری نژاد بلخابی **

چکیده

از مسائل بحث‌برانگیز پیرامون حجاب، چگونگی مواجههٔ حکومت با این امر است. از منظر فلسفهٔ سیاسی، دامنهٔ الزامات حکومت با قلمرو اختیارات آن برابر است و از منظر فقهی، حاکم اسلامی به سبب ولایت بر مردم می‌تواند افراد جامعه را ـ چه بدان اعتقاد داشته باشند چه نداشته باشند ـــ به انجام یا ترک فعلی ملزم کند. همچنین از آن‌جا که مصالح جمعی بر مصالح فردی رجحان دارد و تأمین سعادت اخروی افراد، غایت اساسی حکومت اسلامی است، حاکم می‌تواند فرد را به تکالیف عبادی ملزم نماید. رعایت حجاب نیز چون بر هر زن و مرد مسلمان واجب است، مشمول همین الزام حکومتی است.

هدف این مقاله، بررسی فقهی مصالح حجاب و الزام حکومت در پیشگیری از بی‌حجابی است. سؤال اصلی این است که آیا حکومت می‌تواند زنان را به رعایت حجاب ملزم کند؟ این پرسش با استناد به منابع فقهی، به روش تحلیلی ـ توصیفی و با گردآوری کتابخانه‌ای پاسخ داده شده است. یافتهٔ مقاله این است که مصالح موجود در حفظ پوشش و حجاب، موجب توجه فقه به این امر و وجوب حفظ آن از منظر فقهی شده است.

کلیدواژه‌ها: مصالح، الزام حکومت، حجاب، پیشگیری.

---

*. تاریخ وصول: ۱۴۰۴/۱۰/۲۵؛ تاریخ تصویب: ۱۴۰۵/۵/۲۰.

**. اتمام سطح چهار مجتمع آموزش عالی فقه (amirinzad12345@gmail.com).

۱. مقدمه

حجاب از جمله دستورات فقهی است که الهام گرفته از قران و روایات می‌باشد و از آنجایی که دین اسلام مبتنی بر فطرت انسانی است همه آموزه‌های آن با نیازهای فردی و اجتماعی وی همخوانی دارد، آموزه‌ها و دستورات آن نیز با توجه به حفظ مصالح افراد جامعه و جلوگیری از مفاسد اخلاقی بوده است در این میان حجاب یکی از دستورات دینی می‌باشد که اسلام با توجه به مصالح که در پی دارد مورد سفارش قرار گرفته و منع بی‌حجابی به خاطر آسیب‌های است که متوجه جامعه می‌گردد. در نظام فقهی و حقوقی اسلام، حجاب یک موضوع متأثر از آموزه‌های دینی مذهبی و وحی الهی است (آقا بابایی، ۱۳۸٤: ۵/ ۱۱ و ۱۲). از آنجایی که حفظ حجاب در جامعه‌ای اسلامی به خاطر صیانت از ارزش‌های اخلاقی و جلوگیری از فساد اخلاقی در جامعه و به عنوان یک ضرورت بر شمرده می‌شود عدم رعایت آن از منظر فرهنگ دینی جرم محسوب می‌شود پس ضروری می‌نماید، تا مصالح رعایت حجاب و مفاسد ناشی از بی‌حجابی مورد بررسی قرار بگیرد و ازاین‌رو در این مقاله به مصالحی که در پرتوی رعایت حجاب متوجه جامعه می‌گردد و نیز به مفاسدی که در نتیجه‌ای بی‌حجابی در جامعه به وجود می‌آید پرداخته شده است از مجموع مطالبی که در این نوشتار در باب حجاب و بی‌حجابی آمده است این نتیجه به‌دست می‌آید که وجوب حفظ حجاب از منظر اسلام برای آن است که مصلحت جامعه آن را اقتضا می‌کند و اگر در حوزه‌ای فرهنگ دینی، بی‌حجابی مورد نکوهش قرار گرفته است به خاطر آن می‌باشد که آسیب‌های اخلاقی و اجتماعی در جامعه می‌گردد

۲. طرح مسئله

حجاب از جمله دستورات فقهی اسلام و ازاین‌رو مبنای فقهی دارد و نیز از نشانه‌های زنان مسلمان می‌باشد. بنابراین اهمیت آن به حدی است که یکی از مصادیق معروف و جزء شعائر اسلامی قرار گرفته و ازاین‌رو ضروری به نظر می‌رسد تا موضوع حجاب از منظر فقهی مورد کنکاش قرار بگیرد و به مصالح حجاب و نیز الزام حکومت برای رعایت آن اشاره گردد صاحب‌نظران بسیاری در خصوص پوشش بانوان به بحث و بررسی پرداخته‌اند. بررسی‌های

انجام گرفته عمدتاً با نگاه به نقش مثبت اجتماعی حجاب و آثار روانی ناشی از آن بر افراد جامعه بوده است و تحلیل کاملی از منظر فقهی برای آن ارائه نشده است در این تحقیق به مبنای فقهی حجاب الزام حکومتی برای حفظ حجاب و پیشگیری از بی‌حجاب پرداخته شده این پژوهش با بیان با استناد به منابع لغوی مفهوم مشهور حجاب تبیین حجاب در باب مقوله حجاب، به بیان دیدگاه برخی از فقهای متقدم امامیه و نیز فقهای معاصر امامیه در باب الزام حکومتی حجاب وجوب حجاب اشاره شده است گفتنی است که در این نوشتار با استناد به منابع فقهی و غیر فقهی این موضوع مورد کنکاش قرار گرفته است.

حجاب یکی از ده‌ها موضوع یا مصداقی است که مورد توجه فقه که مبتنی بر قرآن و روایات است می‌باشد که با توجه به نقش حجاب در حفظ مصالح جامعه در اسلام مورد عنایت قرار گرفته است. پس نادیده گرفتن آن در واقع نادیده گرفتن مصالح جامعه بوده است گفتنی است که در این مقاله به مبنای فقهی حجاب و نیز پیامدهای مثبت آن در جامعه و الزام حکومت اسلامی در این راستا پرداخته شده پرسش اصلی مقاله دقیقاً همین است که آیا بعد از فرض ثبوت اینکه رعایت حجاب دارای مصالح برای جامعه می‌باشد آیا حکومت اسلامی می‌تواند جامعه را به رعایت حجاب اسلامی الزام نماید تا سبب پیشگیری از آسیب‌های منفی آن در جامعه گردد که با استناد به منابع فقهی این موضوع تبیین شده است.

۳. پیشینه

برخی از نویسندگان در این زمینه که حجاب چیست و رعایت نمودن آن از چه مصالحی در جامعه برخودار است و الزام حکومتی در این باب چیست، تحقیقاتی انجام داده‌اند و از آن جمله می‌توان به (مقاله گفتمان فقهی و جرم‌انگاری در حوزه جرایم علیه امنیت ملت و دولت»، مجلهٔ فقه و حقوق، حسین آقا بابایی) احکام حجاب و عفت از گلستان مرجعیت، حمید احمدی جلفائی) حجاب و مسئولیت‌ها و اختیارات دولت اسلامی، ابراهیم شفیعی سروستانی (مسئله حجاب، مرتضی مطهری) به طور پراکنده اشاره کرده‌اند. مقاله تحت عنوان نقد و بررسی ادله فقهی الزام حکومتی حجاب از سید محمدعلی ایازی و پایان‌نامه تحت عنوان بررسی فقهی حجاب به مثابه یک الزام

حکومتی. نرگس سادات مقدم، استاد راهنما: محمدتقی فخلعی نیز به نوعی به این موضوع پرداخته‌اند که مطالب آنها در راستای الزام حکومتی حجاب درخور توجه و اهمیت است پس از آنجایی که بررسی فقهی مصالح حجاب و الزام حکومت در پیشگیری از بی‌حجابی یک موضوع کاربردی است می‌طلبد تا این موضوع در قالب یک مقاله مستقل تدوین گردد درباره ملاک‌های حجاب، احکام حجاب از منظر فقه بحث شده است، ولی بر اساس مطالعات نظامند تاکنون کتاب، پایان‌نامه و مقاله درباره مصالح حجاب در جامعه و الزامات حکومتی در این راستا تألیف نشده است ازاین‌رو در پژوهش حاضر این موضوع مورد توجه قرار گرفته است

۴. تبیین مفاهیم کلیدی

الف) مصالح

مصالح از مصلحت گرفته شد. مصلحت بر وزن «منفعت» برگرفته از ریشه «صَلَحَ» به معنای «صالح» می‌باشد که در تقابل با «فساد» و «مفسده» آمده است (جوهری، ١٤١٦: ٢١٩؛ ابن منظور، ١٤١٦: ١١٢؛ طریحی، ١٣٦٢: ٥٠١؛ زبیدی، ١٥١٥: ٥٢٢). واژه مصلحت به معنای خیر» «آمده است (طریحی، ١٣٦٢: ٩١٣؛ فیومی، ١٥٠٢: ١٥٢).

برخی پژوهشگران زبان‌شناس بر این اعتقادند که: «مصلحت» یا اسم مکان (به معنای جایگاه و مکان صالح) و یا مصدر میمی (به معنای صالح دیدن و حسن پنداشتن) است و وجه مصدری آن «صالح» بوده و در این معنا مقابل واژه «افساد» قرار گرفته است (الشرتونی، ١٤١٠: ٢٢٢).

یکی از نویسندگان معاصر، مطابق با اعتقادات شیعه، در تعریف مصلحت اظهار می‌دارد: «سودمندی معقول و اجتناب‌ناپذیری که ضرورت تأمین آن از بیان شارع، معلوم گردیده و از نظر عقل در پیروی از شرع انجام یا ترک عملی را الزام‌آور می‌سازد مصلحت و سودمندی در حدی باشد که از نظر عقل برای انجام عمل یا ترک آن الزام‌آور باشد (زنجانی، ١٣٨٤: ٩٧)

معنای اصطلاحی مصلحت نسبت به معنای لغوی آن از تنوع کمتری برخوردار است و اغلب محققان مسلمان بر این مطلب اتفاق نظر دارندکه بحث از مصلحت در حکومت اسلامی عبارت است از: «منفعتی که شارع حکیم برای بندگانش خواسته است مانند حفظ

دین، جان، عقل، نسل و مال باشدیم (البوطی، ۱۳۸۴: ۲۷) به باور غزالی: «منظور از مصلحت، صیانت از دین، جان، عقل، نسل و مال است که در هریک از اصول پنج‌گانه مصلحت نهفته است. پس هرآنچه به تحصیل و تأیید این پنج اصل منتهی شود، مصلحت بوده و غیر آن مفسده هستند، مفسده‌ای که دفع آن دلالت بر مصلحتی دار (غزالی، ١٤١٧: ٢٨٦).

مصلحت در اصطلاح فقه امامیه عبارت است از: «المصلحه هی ما یوافق الانسان فی مقاصده لدنیاه او لاخرته او لهما و حاصله تحصیل منفعه او دفع مضرّه» آنچه که با مقاصد انسان در امور دنیوی یا اخروی و یا هر دو، موافق بوده و نتیجه آن به‌دست‌آوردن منفعت یا دفع ضرری باشد. از منظر شهید مصلحت نامیده می‌شود (محقق حلّی، ١٤٢٣: ٢٢١)؛ آنچه که با مقاصد انسان در امور دنیوی یا اخروی و یا هر دو، موافق بوده و نتیجه آن به‌دست‌آوردن منفعت یا دفع ضرری باشد. از منظر شهید مصلحت نامیده می‌شود (شهید اول، ١٤١٤: ٣٥).

ب) حجاب

واژه حجاب مصدر است که از «ریشه ح ج ب» «گرفته شده است که اهل لغت از آن تعاریف مختلفی ذکر کرده‌اند. برخی گفته اند: «الحجاب ما حجب جب به شیء عن شیء (فراهیدی، ١٤٠٥: ٨٦) الحجاب ما حال بین شیئین» (طریحی، ١٣٧٥: ٣٤) هرآنچه میان دو چیزحایل شود حجاب گفته می‌شود «الحجاب الستر (ابن منظور، ١٤١٤: ٩٨). پس مطابق این دسته از تعاریف، حجاب پرده‌ای است که میان بیننده و آنچه می‌بیند، حـائل می‌شود. و در اصطلاح عبارت است از لباسی که زن برای پنهان ساختن عورت خود از اجانب آن را می‌پوشد (قلعجی، ١٤٠٨ق ذیل ماده حجاب) منظور از حجاب در حوزه فرهنگ اسلام آن پوششی است که تمام بدن به جز صورت وکفین را در بر می‌گیرد که در متون فقهی بطور مبسوط به ملاک‌ها وقلمرو آن اشاره است.

ج) الزام حکومتی

الزام حکومتی از دو کلمه، الزام و حکومت، تشکیل یافته است.

الف) الزام در لغت: «در گردن کسی نهادن، لازم و واجب گردانیدن، اثبات، حجت،

دلیل و برهان (نفیسی، ۱۳۵۵: ۳۷۰) لزم الشّیء: ثبت و دام الزام بمعنی اثبات و ادامه و ایجاب است (نفیسی، همان: ۳۷۰). به باور برخی از اهل لغت الزم به معنای «گردن گرفتن، واداشتن، وادار کردن، بر عهده کسی قرار دادن، اثبات نمودن، لازم کردن وواجب نمودن (معین ۱۳٦۰: ۳۳۸) نیز آمده است الزام را برخی به «کسی را به کاری اجبار نمودن، مجاب و ملزم ساختن، جدا شدن، ملازمت گرفته‌اند (انوری، ۱۳۸۱: ۵۳۲) به معنای: «به ناگزیر شدن کسی به قبول یک حکم، الزام گفته می‌شود (خواجه نصیرالدین طوسی، ۱۳٦۷: ۵۳۳)» الزام در لغت از ریشه لزم به‌معنای ثبوت، دوام، کاری را به عهده کسی گـذاشتن، و بـر او واجب کردن است؛ لزم الشّیء: ثبت و دام الزام به معنای اثبات و ادامه و ایجاب است (قرشی ۱۳۷۱: ۱۸۷). چنان‌که مصباح المنیر می‌نویسد: «لَزِمَهُ الْمَالُ وَجَبَ عَلَیهِ و لَزِمَهُ الطَّلَاقُ وَجَبَ حُکْمُهُ (فیومی المقری، ۱٤۲۸: ٤٤). مال بر او لازم و واجب است طلاق بر او لازم وواجب بوده است.

الزام در اصطلاح به همان معنای لغوی خود یعنی پای‌بندی به چیزی و تعهد و تکلیف است (طباطبایی حکیم، ۱٤۲۷: ۵۸). با این برداشت از الزام: «حکم الزامی در اصطلاح علمای اصول از اقسام احکام تکلیفی بوده و منظور از آن، طلب انجام یا ترک فعل به خاطر مصلحت و یا مفسده ملزمه‌ای است که در آن وجود دارد، به‌گونه‌ای که بر انجام آن، پاداش و بر مخالفت آن کیفر، مترتب می‌شود، مثل: امر به اقامه نماز یا نهی از شرب خمر (مؤسسه دائره المعارف الفقه الاسلامی، ۱٤۲۳: ۳٦۰).

ب) حکومت: حکومت در لغت: «به معنای فرمانروایی و حکمرانی است و اگر با صفتی به کار رود، برای بیان نوع رژیم سیاسی است (آشوری، ۱۳۷۳: ۱٤۱). از منظر برخی از لغت‌شناسان به معنای حکومت، قضا، قضاوت کردن، داوری کردن، حکم‌راندن، فرمانروایی کردن و پادشاهی نمودن نیزآمده است کردن (دهخدا بی‌تا: حرف ح ۷۰۳) و نیز: حکومت فرمان دادن، امر کردن، فرمانروایی کردن، سلطنت کردن (معین کبیر، ۱۳٦۰: ۱۳٦۷) حکومت، در اصطلاح عبارت است از فرایند اجرای منظم سیاست‌ها و تصمیمات مقامات اداری درون یک دستگاه سیاسی در قلمرو معین، و اقتدار آن به وسیله یک نظام مبتنی بر فقه حقوقی و با استفاده از زور در اجرای سیاست‌هایش حفظ می‌گردد (گیدنز، ۱۳۷۸: ۳۲۵ - ۳۲٤) منظور از

الزام وادار نمودن دیگری برای انجام یک کار مثلاً حفظ حجاب و مراد از حکومتی یعنی فرمانی از طرف یک نظام سیاسی صادر شده باشد وقتی گفته می‌شود الزام حکومتی حجاب منظور آن است که حکومت برای گسترش فرهنگ حجاب و نیز پیشگیری از بی‌حجابی در جامعه، از ابزارهای مشروع و قانونی استفاده می‌کند.

د) پیشگیری

به معنای جلوگیری، دفع و جلو مرض را گرفتن و منع از سرایت چیزی و صیانت آمده است (معین، ۱۳٦۰: ۱۳٦۷) از نظر ریشه‌شناسی، کلمه پیشگیری دارای دو بعد است: ۱. به معنای «پیش‌دستی کردن، پیشی گرفتن و به جلوی چیزی رفتن»؛ ۲. به معنای «آگاه کردن، خبر چیزی را دادن و هشدار دادن» است (رجبی پور، ۱۳۸۲: ۱۵). شاید بتوان گفت که به تعداد صاحب‌نظران جرم‌شناسی، تعریف و طبقه‌بندی (تیپولوژی) از پیشگیری ارائه شده است. مراد از پیشگیری در این نوشتارآن است که حکومت برای آنکه بی‌حجابی در بین مردم گسترش پیدا نکند، از امکانات فرهنگی و نیز ابزارهای قانونی استفاده می‌کند تمانع به وجود آمدن فرهنگ بی‌حجابی در جامعه گردد.

وجوب حجاب از منظر فقهای امامیه

حجاب یک د ستور فقهی و شرعی است واز این رو رعایت آن واجب می‌باشد ذیلاً با توجه به ظرفیت این نوشتار به دیدگاه برخی از فقهای امامیه در باب وجود حفظ حجاب اشاره می‌گردد:

نظر شهید اول: طبق نظر شهید اول به نظر شیعه، پوشش عورت در غیر نماز و طواف به صورت اجماعی واجب است و ایشان در تعریف عورت و حد آن در مورد زن آزاد فرمودند: تمام بدن زن و سر او عورت است و صورت و ظاهر دو دست و پاها استثنا شده است (عاملی ۱٤۱۹: ۷). نظر صاحب الحدائق: پوشش عورت در نماز و غیر نماز از ناظر محترم واجب است و طبق نظر مشهور علما تمام بدن زن عورت است مگر وجه و کفین و دو قد (بحرانی، ۱٤۰۵: ٦).

نظر صاحب عروه الوثقی: ایشان پوشش واجب را دو قسم کرده: اول پوششی که بر انسان

واجب است، دوم؛ پوشش واجب در نماز. ایشان در ادامه می‌فرماید در قسم اول بر مرد و زن واجب است عورت خود را بپوشانند و بر زن واجب است که تمام بدنش را به غیر از صورت و کفین از نامحرم بپوشاند (طباطبایی یزدی، ۱۴۱۷: ۴۹۴). ایشان در وجوب حفظ حجاب گفته‌اند: «حجاب بانوان در برابر مردان غیر محرم مورد توافق فقهای همه مذاهب اسلامی بوده است (طباطبایی یزدی، ۱۴۱۷: ۴۹۴).

بعضی از فقهای امامیه با استناد به برخی از متون روایی و فقهی، حتی پوشاندن صورت ستر چهره و دست‌ها را نیزبرای زنان واجب دانسته‌اند و ایشان در مقام استدلال از جمله به ادله عام وجوب ستر یا حرمت نظر که با وجوب ستر ملازمه دارد استناد کرده‌اند (مقرم، ۱۴۰۴: ۲۸). گفتنی است که در این راستا همچنین به روایاتی که دلالت بر منع از نگاه کردن به زن غیر محرم دلالت دارد البته به صورت مطلق و نیزبه چند روایت دیگر که پوش تمام بدن زن را می‌رساند؛ استناد شده است (نجفی، ۱۹۸۱: ۷۷).

از نکات مورد تأکید فقها تأسیسی بودن حکم حجاب در اسلام است (زنجانی درس خارج فقه مورخه ۱۳۷۷/۹/۱۰) دیدگاه فقهای امامیه حاکی از آن است که فعالیت‌ها و مراودات اجتماعی زنان را به هیچ روی منافی با حجاب نمی‌دانند و از جمله بر جواز اشتغال و تحصیلی به عنوان مشروط بر رعایت حجاب فتوا می‌دهند (خویی، ۱۴۲۶: ۲۰۴؛ منتظری، ۱۳۷۷: ۴۵۷؛ خامنه‌ای ۱۴۲۰: ۸۵).

نظر آیت‌الله خویی: اشکالی بر وجوب پوشش تمام بدن زن بر وی نیست و از این مورد فقط وجه و کفین استثنا شده است و این حکمی اجماعی است، بلکه از ضروریات دین است (خویی، ١٤١٨: ٦٢).

نظر آیت‌الله بروجردی: اختلافی که بین علما در مورد پوشش وجود دارد در مورد وجه و کفین و قدمین است امّا وجوب پوشش در غیر از این موارد از مسلّمات دین بین جمیع فرق اسلامی و مسلمانان است، بلکه حکم وجوب پوشش از ضروریات اسلام است و هر کس قائل به جواز و عدم وجوب پوشش شود خارج از دین پیامبرﷺ و آنچه وی آورده است، می‌باشد (طباطبایی بروجردی، ١٤١٦: ٦٥).

طبق دیدگاه آیت‌الله سیستانی: «در فقه اسلام شکل خاصی از پوشش برای زن تعیین

نشده و فقط بر پوشیده بودن بدن جزصورت و کفین تصریح شده است (سیستانی ۲۰۰۰: ۴۸۶ ۵۴۲؛ مکارم شیرازی، ۱۳۸۵: ۶۴۹).

۵. دلایل الزام حکومتی حجاب از منظر فقه

اقتضای ضرورت هر حکومت الزامِ نمودن اتباع خود، برای انجام امر مشروع و قانونی یک امر بدیهی و کاملاً آشکار است. بدیهی بودن در الزام حکومت برانجام امورمشروع که مصالح جامعه اقتضامی کند و یا پیشگیری به طور الزام از رفتار منفی که برای جامعه مفسده در پی دارد تردیدی وجود ندارد حق مسلم وی و از اقتضائات یک جامعه می‌باشد و این یک اصلی عقلانی وخردپسند بوده است آن از صرفِ تصور معنای حکومت روشن است؛ یعنی برای اثبات اقتضای الزام نیازی به ارائه استدلال نیست تا تصدیق شود؛ بلکه حکومت حامل مفهوم الزام است. نمی‌توان حکومتی را تصور کرد که اتباعش هیچ‌گونه الزامی نسبت به فرامین و خواسته‌های آن احساس نکنند. در حکومت حکم و فرمان به انجام یا ترک کاری از سوی تمام یا بعضی از اتباع حکومت است. هرجا حکم و فرمان باشد، البته شرعاً و قانوناً، اقتضای لزوم تبعیت از آن نیز وجود دارد. پاداش یا کیفر اتباع توسط کارگزار حکومت به دلیل ثبوت چنین اقتضایی است. اگر حکومت اقتضای الزام را نمی‌داشت، پاداش برای کار نیک و کیفر برای رفتار منفی به ذهن تبادر نمی‌شد. این معنا را می‌توان از سخن اندیشمندان اسلامی و غربی به وضوح برداشت کرد.

یکی از مباحث علمای اصول فقه در باب دلالت اوامر آن است که میان حکومت، قانون، سلطه و اقتدار با مفهوم امر و فرمان رابطه وثیقی برقرار است. امر و فرمان در جایی متصور است که تکیه بر حکومت و اقتدار داشته باشد. اگر شخص فرمان‌دهنده بر دیگران علوّ و منزلت حکومتی و نیز مشروعیت نداشته باشد، از اوامر او برداشت الزام‌آوری نمی‌شود. امر و نهی کردن چنین شخصی، خواسته و تقاضا تلقی می‌شود و نه فرمان. پس باید حکومت مقتضی الزام باشد که در شرایط فقدان آن برداشت الزام نمی‌شود» (خمینی، ۱۳۷۳: ۲۳۹)

نکته شایان ذکر در این قسمت از نوشتار این است که احکام اسلامی تابع مصالح

جامعه است و ازاین‌رو از منظر فقهی رفتاری مشروعیت دارد که از لحاظ اخلاقی و اجتماعی به سلامت جامعه آسیب نرساند؛ زیرا که مصلحت ای اجتماعی به منزله علل احکام فقهی هستند چنان‌که خداوند متعال می‌فرماید: «و کلّ انسان الزمناه طائره فی عنقه (خراسانی، ۱۳۸۸: شماره۴۷.)» طائر در اینجا عمل انسان است، و عمل آدمی را به طائری تشبیه کرده است (طبرسی، ۱۳۵۲: ۱۰۲).

و اینکه می‌فرماید: ما طائر هرکسی را در گردنش الزام کردیم، یعنی آن را لازم و لاینفک او قرار دادیم به‌طوری‌که به‌هیچ وجه از او جدا نگردد پس معنای الزام کردن آن این است که خداوند چنین مقرر فرموده است که هر عملی قائم به عاملش بوده و خیر و شر آن، به خود او برگردد، نه آنکه او را رها کرده به غیر او گلاویز شود (طباطبایی، ۱۳۹٤: ۷٤).

شهید مطهری می‌گوید:

> اگر در جایی مقتضیات زمان چنان عوض شد که برای عقل قاطعانه اثبات شد که مصلحت یا مفسده یک حکم تغییر یافته است، فقها می‌گویند معنایش این است که زیربنای حکم تغییر کرده است و ازاین‌رو خود اسلام تغییر حکم را اجازه می‌دهد و در این شرایط مجتهد می‌تواند یک حلال شرعی یا حتی یک واجب شرعی را به خاطر یک مفسده یقینی که عقلش کشف کرده، تحریم کند یا حرامی را به خاطر مصلحت مهم‌تری که پیش آمده واجب نماید (مطهری، ۱۳۸۱: ۲۲۵/۲۲٤).

الف) حفظ نظام اسلامی

«حجاب» از جمله عوامل بنیادین در حفظ نظام اسلامی است، زیرا در استواری و تحکیم نظام اسلامی، نقش بسزایی دارد. به دلیل همین نقش بنیادین حجاب است که در شریعت اسلامی واجب گشته است. در مقابل بی‌حجابی سبب اخلال در نظام اسلامی می‌گردد و به همین دلیل است که از منظر فقه بی‌حجابی تحریم شده است. طبیعی است که اگر این بی‌نظمی و اخلال، فراگیر و گسترده شود، تهدیدی برای نظام سیاسی اجتماعی اسلام خواهد بود: «ازاین‌رو، حکومت اسلامی هرگز نمی‌تواند نسبت به آن بی‌تفاوت بماند. کارگزار حکومت اسلامی وظیفه پاسداری از نظام اسلامی را دارد. او حتی موظف است که پیش از

فراگیر و گسترده شدن با آن برخورد نماید، زیرا به هنگام فراگیر شدن، به‌سختی می‌توان بحران اختلال نظام را مهار کرد.

یکی از مفاهیم جدید ادبیات علم سیاست، مفهوم بر اندازی نرم است. براندازی نرم که در مقابل براندازی سخت یا به‌زور و خشونت قرار دارد (آقابابایی، ۱۳۸٦: ۲۰۹).

گفتنی است که پذیرش مفهومی به نام مصالح اجتماعی اولاً به معنای آن است که برای ارزش‌های که مربوط به عموم افراد جامعه است اصالت قائل شویم و از این رو آن چیزی غیر از مصلحت‌های فردی می‌باشد؛ ثانیاً آنکه ساماندهی منافع جمعی براساس مصالح اجتماعی ممکن گردد و عدم رعایت آن موجب ضرر برای زندگی جمعی باشد مانند بی‌حجابی که ضررش متوجه جامعه می‌گردد. مصلحت فردی هرچند در تشریع احکام نقشی مؤثری دارد، ولی در شرایط که با مصالح اجتماعی در تعارض قرار بگیرد از منظر شرع مقدس همواره مصالح نوعی و اجتماعی بر مصالح فردی تقدم دارد؛ این نوع اولویت و تقدم در احکام شرع به وفوردیده می‌شود (حیدری، ۱۳۹٦: ۱۲)؛ زیرا لحاظ مصلحت جمعی، نوعی نگرش عالی و فراتر از مصالح فردی است که اسلام به آن توجه ویژه داشته است پس با توجه به ضرورت حفظ نظام، حکومت اسلامی می‌تواند برای حفظ به حفظ حجاب الزام نماید.

ب) برقراری امنیت در جامعه

اصلی‌ترین وظیفه حکومت برقراری و حفظ امنیت است. امنیت اصطلاحاً در بعد عینی، فقدان تهدیدات نسبت به ارزش‌ها، منافع و اهداف، و در بعد ذهنی، فقدان ترس از اینکه بنیان‌های ملی (ارزش‌ها، منافع و اهداف) مورد هجوم (فیزیکی و غیر فیزیکی) واقع بشوند (نوروزی، ۱۳۸۵: ۱۴۰). مهم‌ترین وظیفه هر حکومتی برقراری امنیت و حفظ آرامش در جامعه است و بدون الزام حکومت بر اجرای دستورات دینی، نمی‌شود بستر آرامش خاطر را فراهم آورد. «شاید امنیت حداقل چیزی است که مردم از حکومت می‌خواهند. حضرت علی علیه‌السلام می‌فرماید: «مردم برای دفع دشمنان خود و حفظ امنیت چاره‌ای از حکومت ندارند؛ حتی اگر امیر آنان شر باشد تا چه رسد به اینکه آن امیر نیکوکردار باشد» (مجلسی، ۱۴۱۹: ۱۲).

هر حکومتی برای حفظ پایه‌های خود، چاره‌ای از برقراری امنیت ندارد. حضرت علی﵇ می‌فرماید: «مردم برای دفع دشمنان خود و حفظ امنیت چاره‌ای از حکومت ندارند؛ حتی اگر امیر آنان شر باشد تا چه رسد به اینکه آن امیر نیکوکردار باشد» (نهج البلاغه، خ٤٠). هر حکومتی بر مبنای تعریفی که از امنیت دارد، قلمرو آن را تعیین نموده و به وظیفه امنیتی خود عمل می‌نماید.

برخی بر این باورند که حفظ حجاب:

> مایه امنیّت زن و مانعی برای تعرّضات بیماردلان نسبت به زن است. حفظ حجاب سبب کاهش تحریکات بی‌حساب جنسی در جامعه می‌گردد و هنگامی که تحریکات نامشروع به حداقل ممکن برسد عفت و پاکدامنی در مردان افزایش می‌یابد و در نتیجه امنیت زنان و دختران بالا می‌رود؛ زیرا با افزایش عفت مردان، مزاحمت و تعرّضات نسبت به زنان و دختران بسیار کاهش می‌یابد (نظیفی، ۱۳۸۹: ٧٤).

حجاب مایه امنیّت زن در برابر نااهلان جامعه دلان می‌باشد زیرا:

> جلوی تحریکات بی‌حساب جنسی را در جامعه می‌گیرد و هنگامی که تحریکات نامشروع به حداقل ممکن برسد عفت و پاکدامنی در مردان افزایش می‌یابد و در نتیجه امنیت زنان و دختران بالامی‌رود؛ زیرا با افزایش عفت مردان، مزاحمت و تعرّضات نسبت به زنان و دختران بسیار کاهش می‌یابد (احمدی‌جلفایی، ۱۳۹۰: ٤٤).

امنیت به معنای ایمن شدن، در امان بودن، بی‌ترسی، آرامش و آسودگی است و وقتی با واژه روان همراه گردد به معنای آسودگی و آرامش روح و روان به کار برده می‌شود، به گونه‌ای که شخص از نظر روحی و روانی، در وضعیت آرام و بدون اضطراب قرار می‌گیرد (کمالی، ۱۳۸۵: شماره ۱۰). امنیت چه در بعد فردی و چه در بعد اجتماعی از چنان اهمیتی برخوردار است که خداوند متعال در قرآن کریم، آن را یکی از نعمت‌های بزرگ که لایق شکر و سپاسگذاری است، نام برده و چنین می‌فرماید: «**فَلیَعبُدُوا رَبَّ هذَا البَیتِ الذی أطعَمَهُم مِن جُوع وَ آمَنَهُم مِن خَوفٍ** (قریش: ۳ و ٤) پس (به شکرانه این دوستی) باید یگانه خدای این خانهٔ (کعبه) را پرستید. همان خدایی که به آنها هنگام گرسنگی طعام داد و از ترس و خطراتشان ایمن ساخت.» امنیت

یکی از شاخصه‌های مهم حکومت حقّه حضرت حجت عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف می‌باشد و قرآن کریم امنیت را یکی از دستاوردهای تشکیل حکومت دینی و الهی به شمار آورده و می‌فرماید: «**وَ لَيُبَدِّلَنَّهُم مِن بَعدِ خَوفِهِم أمناً** (نور: ۵۵) و ترسشان را به امنیت و آرامش مبدل می‌کند.

خداوند متعال زن را در قرآن کریم، مایه آرامش فکری، روحی و روانی مرد می‌داند و می‌فرماید: «**وَ مَن آياتِهِ أن خَلَقَ لَكُم مِن اَنفُسِكُم اَزواجا لِتَسكُنُوا اِلَيها** (روم: ۲۱) و از نشانه‌های او اینکه همسرانی از جنس خودتان برای شما آفرید تا در کنار آنان آرامش یابید.

اما متأسفانه در جوامع امروزی، بعضی از زنان با عدم حفظ حجاب ، نه تنها موجب آرامش در محیط گرم خانواده نمی‌شوند، بلکه عاملی برای ایجاد اضطراب روحی و برهم زدن امنیت روانی در اجتماع شده و خانواده خود را نیز دچار آشفتگی روانی می‌سازند بدون تردید هرگونه اختلاف شخصیت، موجب اختلال در امنیت روان فرد می‌شود.

در هر حال: «بی‌حجابی زنان، مردان را دچار ناآرامی روانی می‌کند و ایشان را در یک التهاب دائمی قرار می‌دهد. بنابراین، بی‌حجابی زنان در جامعه، در مردان و جوانانی که توانایی ازدواج ندارند، نوعی تحریک دائم غریزه ایجاد می‌کند و اگر خوددار نباشند، به خود ارضایی دست می‌زنند و در نتیجه، دچار ناهنجاری‌های روانی و بیماری‌های عصبی و جسمی می‌شوند و عده‌ای نیز پا فراتر نهاده، با هم جنس‌گرایی و روابط نامشروع، سعی می‌کنند شعله‌های فروزان این میل آتشین را فرو نشانند و یا اینکه با خشونت جنسی به آزار و اذیت زنان و دختران بپردازند (کمالی، ۱۳۸۵: ۱۸۹). مشکلاتی را در جوامع اسلامی به وجود آورند. طبق تحقیقاتی که در مورد پوشاندن زیبایی‌های زنان و حفظ حجاب انجام شده، ثابت شده است که این امر، مانع افزایش آستانه ادراکی مردان و در نتیجه، موجب کاهش اختلافات زناشویی است و بالعکس، مردی که در صحنه اجتماع، مظاهر بی‌عفتی را در زنان، همراه با چهره‌های آرایش کرده مشاهده می‌کند، آستانه ادراکی او با دیدن این بی‌حجابی افزایش یافته، به محرک‌های درون خانواده، دیرتر پاسخ خواهد داد و زمینه برقراری روابط عاطفی لذت‌بخش فراهم نخواهد شد و در نتیجه اختلافات زناشویی ایجاد شده بنیان خانواده را سست خواهد کرد (سالاری‌فر، ۱۳۹۰: ۲۳۵).

شایان ذکر است که حجاب و عفاف دژ محکم امنیتی برای زنان به حساب می‌آید و ایشان را از دسترسی ناپاکان در امان نگاه می‌دارد و: «چه بسا این ناامنی به داخل خانواده نیز کشیده شود (سوء استفاده جنسی از محارم) چرا که بی‌حجابی و خودنمایی بانوان موجب تحریک غریزه جنسی در مردان و پسران جوان بی‌تقوا می‌گردد و در نتیجهٔ طبیعی بی‌بند و باری در تحریک، بی‌بند و باری در ارضای این غریزه می‌باشد و در این صورت است که مزاحمت‌های نوامیس افزایش یافته و امنیت زنان و دختران در جامعه سلب می‌گردد (نظیفی، ۱۳۸۹: ۷۹).

شاید امنیت اجتماعی و اخلاقی حداقل چیزی است که مردم از حکومت دینی خواستارند. اگر حکومت نتواند برای مردم امنیت بیاورد، دیگر چه توجیهی برای اطاعت از آن باقی می‌ماند.

از مطالب که در باب امنیت در سایه حفظ حجاب والزام حکومت نسبت به حفظ حجاب ارائه گردید این نتیجه بدست می‌آید که در آموزه‌های فقهی، عرض و آبروی زنان و مردان محترم است، ازاین‌رو، حکومت اسلامی که کارگزار شریعت اسلامی است، برخلاف حکومت‌های سکولار، هرگز نمی‌تواند نسبت به حراست و امنیت این جنبه از حریم شخصی مسلمانان بی‌تفاوت بماند. این وظیفه حکومتی معطوف به حجاب اسلامی است، زیرا حجاب اسلامی سپر و حافظ هر گونه تعرض سوء به زن مسلمان است و حاکم اسلامی از تعرض به این واجب شرعی (حجاب اسلامی) حراست می‌کند؛ یعنی شرایط امنیتی حفظ پوشش و حجاب اسلامی را فراهم می‌سازد.

ج) حفظ مصالح جامعه

گفتنی است که پذیرش مفهومی به نام مصالح اجتماعی اولاً به معنای آن است که برای امور مربوط به عموم مردم اصالت قائل شویم و ازاین‌رو آن چیزی غیر از مصلحت‌های فردی می‌باشد؛ ثانیاً آنکه ساماندهی منافع جمعی براساس مصالح اجتماعی ممکن گردد و عدم رعایت آن مایه خسران و ضرر برای زندگی جمعی است مانند بی‌حجابی که ضررش متوجه جامعه می‌گردد. گفتنی است که مصلحت فردی هرچند در تشریع احکام فقهی نقشی مؤثری دارد، ولی در شرایط که با مصالح اجتماعی در تعارض قرار بگیرد.

از منظر فقهی که مبتنی: «برآیات وروایات همواره مصالح نوعی و اجتماعی بر مصالح فردی تقدم دارد؛ این نوع اولویت و تقدم در احکام شرع به وفوردیده می‌شود» (حیدری، ۱۳۹٦: ۱۲) لحاظ مصلحت جمعی و اجتماع، نوعی نگرش عالی و فراتر از مصالح فردی است که اسلام به آن توجه ویژه داشته است

د) پیشگیری از مفاسد

از جمله دلایل رعایت حجاب و الزام حکومت برای حفظ آن، دفع مفسده از جامعه است واژه فساد مفهوم عامی است مانند: تباهی، انحراف، اختلال در زندگی، تلف شدن، دچار بطلان و خطا گردیدن هریک به تنهایی گوشه‌ای از مفهوم فساد را آشکار می‌سازد. تمام این معانی متضمن مفهوم عدمی و نفی امر وجودی است. وقتی هریک از این معانی به چیزی تعلّق بگیرد، به معنای از بین رفتن وجود آن چیز است نکته شایان توجه این که:

یکی از فلسفه‌های مهم دستور حجاب در دین اسلام، دفع فساد از جوامع و ضررهایی است که در جوامع بشری به دنبال دارد. امام باقر علیه‌السلام در حدیثی که متضمن بی‌حجابی و بی‌عفتی است، چنین می‌فرماید: «روزی جوانی از انصار با زنی از مدینه مواجه شد. زنان در آن زمان مقنعه‌های خود را از پشت گوش‌های خود می‌انداختند. به آن زن نگاه کرد در حالی که وی از روبه‌رو می‌آمد دید که وارد کوچه‌ای به اسم «بنی فلان» شد. پس جوان پشت سرش راه افتاد و به او نگاه می‌کرد. ناگهان [در حالی که از خود غافل بود] صورتش به استخوان یا شیشه‌ای که در دیواری بود برخورد کرد و شکافت. وقتی آن زن رد شد، و جوان دید خون بر سینه و لباسش سرازیر است، با خود گفت: به خدا سوگند، نزد رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله رفته و واقعه را خواهم گفت! پس نزد رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله آمد.

وقتی رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله او را در آن وضع مشاهده کرد، فرمود: این چه وضعی است؟ پس ماجرای خویش را شرح داد. آنگاه حضرت جبرئیل علیه‌السلام نازل شد و این آیه را آورد. «ای پیامبر ما! به مؤمنین بگو چشم‌های خود را از نامحرمان فرو بندند و دامن‌هایشان را پاک نگه دارند. این کار برای آن‌ها موجب پاکی است و همانا خداوند متعال از همهٔ کارهای بندگان آگاه است (احمدی‌جلفایی، ۱۳۹۰: ٤٤).

شایان توجه اینکه: «رواج فرهنگ برهنگی، بدترین حالت ممکن برای یک جامعه دینی است. هرگز کسی نیست که منکر مفسده‌انگیزی بی‌حجابی باشد. لذا ریشه عملی بسیاری از انحراف‌های اخلاقی به بی‌حجابی و بدحجابی بازمی‌گردد و فتنه‌انگیزی بی‌حجابی نیز به همین خاطراست. مهم‌ترین تاثیرِرواج برهنگی، «جنسی» شدن جامعه می‌باشد و اگر آن جامعه با «عقلانیت آهنین» هم اداره شود، معطوف به اخلاق جنسی است. سرنوشتی که عقلانیت امروز گرفتار آن شده است. در جامعه جنسی، این عقلانیت نیست که حکمرانی می‌کند، بلکه شهوت جایگزین آن شده است. جامعه عقلانیِ جنسی در آستانه نابودی است و هرگونه سخن و موعظه‌ای در چنین جامعه‌ای منفور است (مهدوی زادگان، ۱۳۹۰: ۴۱) در قرآن کریم بر یکتایی خداوند عالم چنین استدلال شده است که اگر بر این عالم چند خدا حاکم بود، جهان فاسد می‌گشت؛ «لو کان فیهما آلهة الّا الله لفسدتا» (انبیاء: ۲۲). فاسد شدن عالم به معنای رو به نیستی رفتن و نابود شدن است. حکومت خدایان غیر از خدای سبحان باعث اختلال و بی‌نظمی در آسمان‌ها و زمین می‌شود و آنها را به نابودی و نیستی می‌کشاند. در مقابل فساد، خیر و صلاح است. خیر یک امر وجودی است. به همین دلیل است که فلاسفه می‌گویند: «وجود، خیر محض است». اما مفسد، هر عاملی است که متعلّق خود را رو به نیستی و عدم سوق می‌دهد. مفسد نابود کننده وجود شیء است.

قرآن کریم التزام زنان مؤمن به پوشش اسلامی را موجب سعادت و خیر آنان بیان کرده است. چنان‌که چنین التزامی را موجب پاکیزه شدن نفس: «**ذلک ازکی لهم انّ الله خبیر بما یصنعون**» (نور: ۳۰)؛ فلاح و رستگاری مسلمانان: «**لعلکم تفلحون**» (نور: ۳۱). خیر و سعادت: «**و القواعد من النساء اللاتی لایرجون نکاحاً فلیس علیهن جناح أن یضعن ثیابهنّ غیر متبرجات بزینةٍ و أن یستعففنَ خیرلهن و الله سمیع علیم**» (نور: ٦٠)؛ و طهارت و پاکیزگی قلب‌ها: «...**اذا سألتموهن متاعاً فسئلوهنَّ من وراء حجاب ذلکم أطهر لقلوبکم و قلوبهنَّ**...» (احزاب: ۵۳) می‌داند. بنابراین، ضد حجاب و پوشش اسلامی، یعنی بی‌حجابی، مُفسد این خیر، فلاح و صلاح جامعه می‌باشد که از منظر فقه به خاطر آسیب‌های اجتماعی و اخلاقی آن حرمت دارد.

ریشه عملی بسیاری از انحراف‌ها و تباهی‌های اخلاق به فرهنگ بی‌حجابی بازمی‌گردد و فتنه‌انگیزی بی‌حجابی نیز از همین روست. مهم‌ترین اثر وضعی رواج فرهنگ برهنگی، «جنسی» شدن محیط است. جامعه برهنگی زده و جنسی‌گرا در مقابل جامعه شرعی و اخلاق‌گرا است. به طوری که عقلانیت آن جامعه، خصلت کاملاً جنسی پیدا می‌کند. در فرایند جنسی شدن عقلانیت، هرگونه اراده آزاد «رفتار محجوبانه» و «عاقبت اندیش»، سرکوب می‌شود؛ سرنوشتی که عقلانیت امروز گرفتار آن شده است.

جامعه عقلانیِ جنسی شده در آستانه یا در ورطه انحطاط و تباهی است. البته هرگونه سخن و موعظه ربّانی ـ اخلاقی در چنین جامعه‌ای متروک و مطرود است. چنان‌که لوط نبی‌علیه‌السلام از سوی قومش (در صورت ترک نکردن موعظه‌های ربّانی) تهدید به اخراج از شهر شده بود «**قالوا لئن لم تنته یا لوط لتکوننَّ من المخرجین**» (شعرا: ۱٦۷).

نتیجه

بر اساس مباحث ارائه‌شده، حفظ و رعایت «حجاب اسلامی» دارای مبنای فقهی و واجب شرعی است. در این پژوهش، دیدگاه برخی فقهای امامیه دربارهٔ وجوب حفظ حجاب و مستندات آن‌ها بررسی شد. از جمله مباحث مطرح‌شده، الزام حکومتی حجاب است که برای صیانت از ارزش‌های اخلاقی، مصالح عمومی و حفظ نظام اسلامی ضروری می‌نماید. ادلهٔ فقهی الزام حکومتی حجاب نیز از موضوعات مورد بحث در این مقاله بوده است.

یافتهٔ پژوهش نشان می‌دهد که دستور به رعایت حجاب و وجوب آن، مبنای فقهی دارد و الزام حکومت به حفظ حجاب، رابطهٔ تنگاتنگی با حفظ مصالح عمومی و فراهم‌سازی بستر امنیت در جامعه دارد.

کتابنامه

قرآن کریم

نهج البلاغه

آشوری، داریوش، **دانش‌نامه سیاسی**، تهران، مروارید، چاپ سوم، ۱۳۷۳.

آقابابایی، حسین، **بررسی فقهی حقوقی جرم‌براندازی**، سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ واندیشه اسلامی، ۱۳۸٦.

ابن منظور، محمد بن مکرم، **لسان العرب**، بیروت، دارالحیاء التراث العربی، ۱۴۱۶ق.

احمدی جلفایی، حمید، احمد، **علیشأنی، سیمای حجاب و عفت در آیات و روایات**، قم، انتشارات آستانه مقدسه، ۱۳۹۰.

انوری، حسن، **فرهنگ بزرگ سخن**، تهران، نشر سخن، ۱۳۸۱.

بحرانی، یوسف ابن احمد بن ابراهیم، **الحدائق الناظره فی الاحکام العتره الطاهره**، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۰۵ق.

البوطی، محمد سعید رمضان، **مصلحت و شریعت؛ مبانی، ضوابط و جایگاه مصلحت در اسلام**، ترجمه اصغر افتخاری، تهران، گام نو، ۱۳۳۵.

حیدری نراقی، علی‌محمد، **رساله حقوق امام سجاد﵇ شرح نراقی**، انتشارات مهدی نراقی، چاپ پنجم، ۱۳۸۵.

خامنه‌ای، سید علی، **اجوبه الاستفتائات**، ۱۴۲۰ق.

خراسانی، رضا، **چیستی الزام سیاسی در فلسفه سیاسی اسلام، مجله علوم سیاسی، دانشگاه باقرالعلوم**، ۱۳۸۸.

خمینی، روح‌الله، «**مناهج الوصول إلی علم الاصول**»، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ اول، ۱۳۷۳.

خواجه نصیرالدین طوسی، محمد بن محمد، **اساس الاقتباس**، دانشگاه تهران، مؤسسه انتشارات و چاپ، چاپ اول، ۱۳٦۷.

خویی، سید ابوالقاسم موسوی، **موسوعه الامام الخویی**، قم، انتشارات مؤسسهٔ احیا آثار الامام الخویی، ۱٤۱۸ق.

دهخدا، علی‌اکبر، **لغت‌نامه دهخدا**، بی‌جا، بی‌تا.

رجبی‌پور، محمود، **راهبرد پیشگیری اجتماعی از جرم، فالنامه دانش انتظامی**، سال پنجم، شماره دوم، ۱۳۹٤.

زبیدی، محمد بن محمد، **تاج العروس من جواهر القاموس**، تحقیق علی شیری، بیروت، دارالفکر، ۱٤۱٤ق.

زنجانی، عمید عباسعلی، **فقه سیاسی (مصلحت)**، تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۸٤.

سیستانی، **استفتائات المرجع الدینی الاعلی السید السیستانی**، قم، بی‌نا، ۲۰۰۰.

الشرتونی، سعید الخدری، **اقرب الموارد**، قم، دارالهجره، ۱٤۱۰ق.

شهید اول، محمد بن مکی، **الدروس الشرعیه**، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۵ق.

طباطبایی حکیم، سید محمدتقی، **الاصول العامة للفقه المقارن**، مجمع جهانی اهل‌بیت علیهم‌السلام، ۱٤۲۷ق.

طباطبایی، سید محمدکاظم، **العروه الوثقی (المحشی)**، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۹ق.

طباطبایی، سید محمدحسین، **ترجمه تفسیر المیزان**، ترجمه سید محمدباقر موسوی همدانی دار الفکر، ۱۳۹٤.

طباطبایی بروجردی، آقاحسین، **تقریر بحث سید بروجردی**، مقرر علی‌پناه اشتهاردی، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۶ق.

طبرسی، فضل بن حسن، **ترجمه تفسیر مجمع البیان**، ترجمه احمد بهشتی، ۱۳۵۳.

طریحی، فخرالدین، **مجمع البحرین**، تهران، مکتبه المرتضویه، ۱۳۶۲.

عاملی، شهید اول، **ذکری الشیعه فی احکام الشریعه**، قم، انتشارات مؤسسهٔ آل البیت، ۱۴۱۹ق.

غزالی، محمد بن محمد، **المستصفی من علم الاصول**، بیروت، مؤسسه الرساله. ۱۴۱۷ق.

فراهیدی، خلیل بن احمد، **کتاب العین**، قم، دارالهجره، ۱۴۰۵ق.

فیومی المقری، احمد بن محمد، **المصباح المنیر**، بیروت المکتبه العصریه، ۱٤۲۸ق.

قرشی بنایی، سید علی‌اکبر، **قاموس قرآن**، دار الکتب الإسلامیة، تهران، ۱۳۷۱.

قلعجی، محمد رواس، **معجم اللغة الفقهاء**، بیروت، دارالنفائس للطباعه، ۱٤۰۸ق.

کمالی، سیده فاطمه، **پاکدامنی زن، آرامش روانی مرد، چالش‌ها و پیامدها»، فصلنامه بانوان شیعه**، زمستان ۱۳۸۵.

گیدنز، آنتونی، **سیاست، جامعه‌شناسی و نظریه اجتماعی**، ترجمه منوچهر صبوری، تهران، نشر نی، ۱۳۷۸.

مجلسی، محمدباقر، **بحارالانوار**، بیروت، دار احیاء التراث العربی، چاپ بیست و چهارم، ١٤١٩ق.

محقق حلی، جعفر بن حسن، **معارج الاصول**، قم، مؤسسه الامام علی علیه‌السلام، ۱۴۲۳ق.

مطهری، مرتضی، **دین و دوران**، تهران، خلاصه مرکز تحقیقات دانشگاه امام صادق علیه‌السلام، دفتر ششم، ۱۳۸۱.

معین، محمد، فرهنگ فارسی، تهران، مؤسسه انتشارات امیر کبیر، ١٣٦٠.

مقرم، عبدالرزاق، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین، ۱۴۰۴ق.

مهدوی‌زادگان، داود، **حکومت اسلامی و حکم حجاب**، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۹۰.

مؤسسه دائره المعارف الفقه الاسلامی، **الموسوعه الفقهیه**، قم، مؤسسه دایرة المعارف فقه اسلامی، ١٤٢٣ق.

نجفی، محمدحسن بن باقر، **جواهرالکلام فی شرح شرایع الاسلام**، بیروت، چاپ محمود قوچانی، ۱۹۷۱.

نظیفی، عباس، دیگران، **آسیب‌شناسی فلسفه قانونی حجاب**، تهران، مؤسسهٔ انتشارات دادگستر، ۱۳۸۹.

نفیسی، علی‌اکبر، **فرهنگ نفیسی «ناظم الاطباء»** کتابفروشی، خیام، چاپ افست با مقدمه محمدعلی فروغی، ۱۳۵۵.

نوروزی، محمدتقی، **فرهنگ دفاعی- امنیتی**، تهران، انتشارات سنا، چاپ اول، ۱۳۸۵.